



یاد بگیرد هر خطای او در بازی می تواند موقعیتی خطرناک برای تیم به وجود آورد.

ساعت ۱۲ تیم ملوان باید می دوید، سرود قهرمانی می خواند و دست میزد. "ایران ایران ملوان، ملوان ملوان قهرمان" سرودی بود که دختران انزلی چی با صدای بلند سر دادند. هاجر لیدر شد با صدای بلند می گفت "توی هر مسابقه یک پای فینالیم" و بقیه تیم اسم "ملوان" را فریاد می زدند. فینال و قهرمانی که این روزها برای رسیدن به آن سخت تلاش می کردند. تمرین که تمام شد مراسم تولدشان را شروع کردند. سارا کیک، چای و پاپ کورن آورده بود، دورهم جمع شدند و باز هم شعر تولد مبارک خواندند. حالا باید زمین را ترک می کردند تا فردا با انرژی و انگیزه بیشتر گامی دیگر در مسیر دشوار قهرمانی بردارند.

در این سه روز فوتبال بانوان را بیشتر درک کردیم، فوتبالی که گاهی با اتهامات ناروا روبرو بوده است اما در این مدت دختران فوتبالیستی را دیدیم که با محبتی دخترانه و حسی مادرانه تمرین می کردند، مثل سپیده (همسر هادی تامینی - بازیکن فوتبال) که دخترش آوین را به آغوش گرفته بود و به محل تمرین آمد و در مدت تمرین همسرش از دخترشان مراقبت می کرد یا مربی تیم که به غیر از وظیفه مربیگری و توجه به بازیکنان، از پسرش هم مراقبت می کرد و کارن که تازه راه رفتن را یاد می توان با وجود علاقه و عشق مادری و ظرفتهای دخترانه، عاشق فوتبال هم بود.

هر چند در سالهای اخیر توجه به فوتبال بانوان بیشتر شده اما همچنان کاستی هایی چون زمین باکیفیت، اردوهای تدارکاتی مناسب، اعزام به رویدادهای بین المللی، پخش تلویزیونی و جذب اسپانسرهای قوی برای همه تیمها وجود دارد و اگر این توجهات بیشتر شود بدون شک روزی می رسد که آسیا به دختران فوتبالیستمان افتخار کند.

بود که بعد با صدای دست زدن و خواندن شعر تولد مبارک همراه شد، هاجر مجلسشان را گرم می کرد و بقیه هم همراهش دست می زدند. مربی تا حدودی به مراسم قرعه کشی لیگ برتر فوتبال بانوان هم فکر می کرد و به بازیکنان گفت: "دعا کنید اولین بازیمان با بیم کرمان باشد".

حرفی سرسخت که جزء مدعیان قهرمانی به نظر می رسد، هر چند در دوشنبه قرعه شان به نام تیم شهر داری سیرجان درآمد.

بازیکنان تیم مشغول انجام تمرینهای بدنسازی بودند و مربی دروازه بانها جلوی یکی از دروازه ها تمرین خود را با سه دروازه بان تیم زودتر شروع کرد. آنها باید در محدوده خاکسی و گلی جلوی دروازه شیرجه می زدند تا شوتهای مربی را بگیرند به همین دلیل لباسهایشان گلی شده بود. رها که لباس روشن تری داشت هر بار که روی زمین می افتاد بیشتر گلی می شد اما این بازیکن بی تفاوت به این موضوع باز هم شیرجه میزد و باز هم توپهای مربی را یکی پس از دیگری مهار می کرد. ملوان می تواند با وجود این دروازه بان با خیالی راحت تر به مصاف حریفان خود برود. شوت در چارچوب مربی پس از برخورد به تیرک دروازه کمانه کرد و به گنجگاه سمیرا خورد و او را به زمین زد.

فوتبال پر است از مصدومیتها، توپهایی که به سر و صورت می خوردند و کسی اعتراضی نمی کند که این قاعده بازی است. وقتی پا به زمین بازی می گذاری باید همه اینها را قبول کنی. سمیرا به خاطر سردرد و سرگیجه ای که داشت دیگر نتوانست بازی کند و مورد معالجه قرار گرفت. تنبیه هم جزء همان قواعد بازی بود، اینکه مربی به خاطر اشتباه بازیکن مجبور شد کند سینه خیز برود یا به خاطر اشتباهی دیگر کل تیم و حتی خودش را تنبیه به دراز و نشست کند. تمام این اتفاقات تیم را نسبت به بازی و عملکردشان دقیقتر می کند. حتی مربی داخل حلقه ای از بازیکنان نشست و همراه با بازیکنان دراز و نشست میزد و یک بازیکن بدون هیچ اعتراضی سینه خیز رفت تا

دهنده بود اما دختران انزلی چی به سختی تمرین و تنها دقایقی را با اجازه سرمربی استراحت می کردند. البته این زمان آنقدر کوتاه بود که فقط می توانستند آب بخورند. گاهی مربی شروع به شمردن می کرد و بازیکنان باید به سرعت آب می خوردند تا تمرین را شروع کنند به همین دلیل با شروع شمارش ایراندوست، بازیکنان به سمت بطری های آب می دویدند، در همین زمان کم تنها توانستم از هاجر بپرسم که تمرین چطور بود و اوهم جواب داد "خوب بود، جات خالی خیلی گرمه!"

مربی بازیکنان را به دو تیم تقسیم کرد و خود نیز پایه توپ شد، تمرینشان چهار بر پنج تمام شد و حتی چهار دقیقه وقت اضافه ای که در نظر گرفتند بازی شان را به تساوی نکشانند... "فکر کنید از نظر قدرت، سرعت، انگیزه، تکنیک، و شجاعت بهترین بازیکنهای ایران هستید، با همین انگیزه می روید و قهرمان می شوید. کسی فکر نمی کرد لستر سیتی در لیگی که منچستر یونایتد و تیمهای قدرتمند دیگری حضور دارند قهرمان شود شما هم نباید به تیمهای دیگر فکر کنید، به این فکر کنید که روز آخر لیگ است، بازی را بردیم و قهرمان شدیم، باید ببریم باید تلاش کنیم... اینها جملات امیدبخش مربی در حین تمرین تمرکز تیم بود که باید به باور بازیکنان تبدیل می شد تا روزی مثل گذشته جام قهرمانی را برای مردم فوتبالیست انزلی به ارمغان آورند. و این یعنی تمرین یکشنبه گرم این هفته به پایان رسیده بود.

روز سوم

صبح روز دوشنبه باران باریده بود و هوا گرمای دیروز را نداشت، قسمتهایی از زمین گل شده بود با جمع شدن بازیکنان باز هم هیجان و سرو صدای بیشتری به وجود آمد. "فقط بخندید" تنها جمله ای است که مربی روی تخته وایت بورد نوشت و بازیکنان را ترغیب به خندیدن کرد. شاید این خندیدنها به خاطر تولد سارا مربی بدنسازی تیم

